

## آبادان؛ از عظمت نفتی، تا سینما رکس، جنگ، متروپل و فروپاشی جامعه ایران!

بهرام رحمانی

[bahram.rehmani@gmail.com](mailto:bahram.rehmani@gmail.com)

مقدمه

ابتدا همدردی و همبستگی خودم را با مردم محروم و داغ‌دیده آبادان اعلام می‌کنم. به امید این که هرچه زودتر آمرین و عاملین فاجعه آبادان توسط مردم خود این شهر مورد محاکمه قرار گیرند. چرا که متهم اصلی خود حکومت و کلیه نهادهای وابسته به آن است بنابراین حکومتی که مجرم است هرگز نمی‌تواند دادرس مردم باشد.



فروریختن ساختمان متروپل حادثه‌ای ناگوار و در عین حال تکان‌دهنده‌ای بود که ظهر روز دوشنبه 2 خرداد 1401 در خیابان امیرکبیر (امیری) واقع در مرکز شهر آبادان رخ داد. در پی وقوع این حادثه، بخشی از برج شماره 2 متروپل فروریخت. این ساختمان بخشی از پروژه برج‌های دوقلوی متروپل هلدینگ عبدالباقی بودند.

در پی این حادثه مردم آبادان از روز دوشنبه 2 خرداد 1401، در خیابان‌ها دست به راهپیمایی زده و به وقوع این حادثه و کمبود تجهیزات امدادی و عدم رسیدگی به افراد زیر آوار مانده اعتراض کردند. شهروندان آبادانی در تجمعات علیه مسئولان محلی و سیاست‌های جمهوری اسلامی شعارهای همچون «عزا عزاست امروز روز عزاست امروز آبادان بی صاحب، صاحب عزاست امروز» سر داده و همچنین نسبت به ادعای مسئولان و رسانه‌های رسمی مبنی بر فوت «حسین عبدالباقی» مالک این ساختمان واکنش نشان دادند.

«دروغه، دروغه، عبدالباقی نمرده»، «آخوند برو گم شو»، «دشمن ما همین‌جا است دروغ می‌گن آمریکا است» و «باقی جنایت می‌کنه، مسئول حمایت می‌کنه» از جمله دیگر شعارهای این اعتراضات بوده است.

قوه قضاییه حکومت اسلامی ایران از بازداشت 14 نفر در رابطه با ریزش ساختمان متروپل آبادان خبر داد. مسعود ستایشی، سخنگوی قوه قضاییه، روز سه‌شنبه 17 خرداد گفت که چهار نفر از این افراد شهرداران سابق و سایر دستگیرشدگان افرادی هستند که مسئول حوزه نظام مهندسی در آبادان بودند.

سخن‌گوی قوه قضاییه بدون این که از دستگیرشدگان نام ببرد، سمت برخی

از آنان را به این ترتیب اعلام کرد: شهردار سابق، رییس نظام مهندسی، مهندس ناظر پروژه، شهردار منطقه یک، سرپرست شهرداری منطقه یک، سرپرست معاونت فنی و عمرانی، معاون امور زیربنایی و حمل و نقل، و معاونت فنی شهرداری.

به گفته محمد جواد رضوی، رییس کمیسیون تحقیق، نظارت و بازرسی شورای شهر اهواز، یکی از بازداشت‌شدگان رییس سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های شهرداری اهواز است.

خبرگزاری‌ها در ایران همچنین گزارش دادند که غلامرضا شریعتی، استاندار پیشین خوزستان، که روز شنبه خبر خروج او از کشور منتشر شده بود، به ایران بازگشته است.

در پی انتشار این خبرها، خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه، اعلام کرد: «تاکنون گزارشی از تقصیر احتمالی یا قطعی استاندار سابق خوزستان در مورد متروپل برای دادگستری این استان ارسال نشده است.» ساختمان 11 طبقه متروپل روز دوم خرداد 1401 فروریخت و تاکنون جان باختن دست‌کم 43 نفر محرز شده است.

احسان عباسپور، فرماندار ویژه آبادان، روز سه‌شنبه 17 خرداد با اعلام آخرین آمار جان‌باختگان این رخداد، به خبرگزاری دولتی ایرنا گفت که آواربرداری برای پیدا کردن اجساد احتمالی و آماده‌سازی منطقه برای تخریب ساختمان متروپل ادامه دارد.

در پی وقوع این رخداد مردم آبادان و تعدادی از شهرهای دیگر ایران برای چند شب متوالی دست به برگزاری تجمعات اعتراضی زدند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند.

پس از فرو ریختن متروپل در آبادان، شماری از مسئولین حکومت اسلامی ایران نسبت به نایمن بودن ساختمان‌هایی مشابه در شهرهای دیگر هشدار دادند.

مهدی چمران، رییس شورای شهر تهران، روز سه‌شنبه 10 خردادماه با اشاره به فهرست موجود از ۱۲۹ ساختمان پرخطر در شهر تهران، گفت که برخی مراجع با علنی‌کردن این فهرست مخالفند؛ بدون این‌که بگویند این مراجع چه افراد یا نهادهایی هستند.

ابراهیم قنبری، رییس سازمان آتش‌نشانی اهواز، روز دوشنبه 16 خرداد با اعلام این‌که 409 ساختمان نایمن در اهواز شناسایی شده است، گفت: «سیتی سنتر مهزیار و تعدادی از بیمارستان‌های شهر اهواز وضعیت بسیار حادتری نسبت به متروپل دارند.»

او در ادامه افزود: «وضعیت کنونی سیتی سنتر مهزیار اهواز فاجعه است و اگر پارکینگ سیتی سنتر مهزیار فرو ریزد، دو هزار کشته خواهیم داشت.» مجتبی عبداللهی، استاندار البرز، نیز خواستار تشکیل کارگروهی برای شناسایی بناهای نایمن در این استان شد.

عباس جعفری، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی قم، روز 12 خرداد اعلام کرد که در شهر قم ساختمان‌های «متروپل‌گونه» کم نیست و بناهای زیادی از قبیل تجاری و درمانی وجود دارد که فاقد ایمنی‌های لازم به خصوص در رابطه با حریق هستند.

همزمان مسعود آقازیارتی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی اراک، خبر داد که این سازمان از سه سال پیش تاکنون بیش از 500 خطریه برای بناهای نایمن صادر کرده است.

به گفته علی صالحی، دادستان عمومی و انقلاب تهران، مدیران آتش‌نشانی در دو سال گذشته حدود 930 فقره خطریه و دستورالعمل ایمنی به اداره کل

آموزش و پرورش تهران داده‌اند که اقدام مناسبی از سوی این اداره صورت نگرفته است.

طی روزهای گذشته مقام‌های دولتی در اصفهان شیراز، تبریز، مشهد، اراک، و قزوین نیز در اظهاراتی مشابه نسبت به وجود ساختمانهای نایمن و پرخطر در این شهرها ابراز نگرانی کرده‌اند.

فساد و رانت‌خواری در ساختار حکومت اسلامی عامل اصلی وقوع این قبیل رخدادها است.

چرا متروپل آبادان فرو ریخت؟

به گفته کارشناسان و مهندسان و صاحب نظران، فاجعه متروپل اتفاقی نبوده که قابل پیش‌بینی نباشد؛ اما متروپل با وجود تمام هشدارها ساخته شد و فاجعه رقم خورد. چرا برج متروپل آبادان فرو ریخت؟ در ادامه دلایل این فاجعه را بررسی می‌کنیم.

بعد از فرو ریختن ساختمان اولین چیزی که در فضای مجازی به صورت گسترده پخش شد، هشدارهایی بود که پیش از وقوع حادثه از سوی مهندسان و صاحب‌نظران در خصوص توقف ساخت و ساز داده شده بود. حتی در فضای مجازی فیلمی منتشر شده است که چند روز پیش از فاجعه توسط کارگران ساختمان گرفته شده است و شکاف‌های ساختمان را که به وضوح حاکی از سستی سازه هستند، نشان می‌دهد؛ شکاف‌هایی که عوامل ساختمان تنها دستور به کناف‌کشی آن‌ها دادند.

مهندس رامین صدر یکی از اعضای هیات مدیره پیشین نظام مهندسی تهران در گفت‌وگویی این فاجعه را چنین توضیح داده است:

نظام مهندسی استان خوزستان پیش از وقوع این حادثه هشدارهایی را به شهرداری داده بود اما بر روی پایه‌ها و ساختار ساختمان هیچ ترتیب اثری داده نشد.

صدر نیز مانند خواجه‌رییس نظام مهندسی خوزستان اظهار داشت که نظام مهندسی هشدارهای لازم را می‌دهد اما گوش شنوایی وجود ندارد. صدر بیان کرد: سازمان‌های نظام مهندسی فقط می‌توانند گزارش دهند اما این‌که چه کسی قبول می‌کند خدا می‌داند. در خصوص متروپل هم نظام مهندسی هشدار داده بود که این ساختمان حتی بار نما را هم نمی‌تواند تحمل کند.

ساختن برج در کنار ساختمان‌های کوتاه مجاز نیست و این مسئله در تهران هم بسیار دیده می‌شود. شهرداری باید پاسخ دهد که چگونه چنین سازه‌هایی ساخته می‌شود. ظاهراً در این موارد قوانینی وجود دارد اما کسی آن‌ها را اجرا نمی‌کند.

رییس سازمان نظام مهندسی خوزستان در خصوص مقاومت مالک متروپل گفت: بعد از آن‌که در سال 1396 پروانه ساختمان متروپل صادر شد، سازمان نظام مهندسی از شهرداری درخواست کرد تا اجازه نظارت به این پروژه را به مهندسان سازمان بدهد. تا سال 1399 چنین اجازه‌ای صادر نشد. دیدگاه ما این است که مالک درخصوص ورود سازمان نظام مهندسی مقاومت می‌کرد تا این‌که از خرداد سال 1399 ناظرین سازه و معماری تاسیسات به‌صورت قانونی از سوی سازمان نظام مهندسی معرفی و در این پروژه وارد عمل شدند.

مدیر عامل هلال احمر خوزستان گفته است: طبق ارزیابی‌های اولیه ساختمان مجاور بنایی که ریزش کرده نیز شرایط پایداری ندارد.

برج تجاری، پزشکی، اداری متروپل در فضایی با بیش از 6 هزار مترمربع در

9 طبقه توسط هلدینگ عبدالباقی در سال در سال 1398 ساخته و توسط . استاندار وقت خوزستان افتتاح و به بهره‌برداری رسیده است. این ساختمان 10 طبقه که در خیابان امیری آبادان است، خودروهای زیادی در خاک مدفون کرد و می‌گویند چون این ساختمان در بافت مسکونی قرار دارد افراد زیادی نیز در زیرآوار ماندند.

پروژه متروپل آبادان که پس از ریزش، فاجعه‌آفرین شد، از ماه‌ها قبل با گزارش‌هایی مبنی بر نشست ستون اصلی و شکم دادن سقف طبقات زیرین مواجه شده بود که یک کارشناس، علت وقوع چنین حوادثی را نظارت‌های صوری مهندسان و پیگیری نکردن تخلفات ساختمانی توسط شهرداری عنوان کرد.

طبق برخی گزارش‌ها مجتمع برج‌های دوقلوی متروپل به قدری سست بود که ستون اصلی و حمال مجتمع‌ها نشست کرده و شکم داده بود. تصاویر و ویدئوهای منتشر شده در فضای مجازی نیز چنین چیزی را نشان می‌داد. مالک، داربست‌هایی در اطراف پروژه کشیده بود که برخی مدعی هستند با هدف پنهان‌کاری وضعیت وخیم پروژه ایجاد شده بود. گفته می‌شود مهندسان سازمان نظام مهندسی آبادان هشدار داده بودند که این مجتمع به افتتاح نخواهد رسید.

سایت اینترنتی امتداد درباره سازنده آن مدعی شده است: حسین عبدالباقی، مشهور به «حاج حسین عبدالباقی» که فرزند یک آجیل فروش در خیابان زند شهر جنگ زده آبادان بود، به سرعت از دوره محمودرضا شیرازی، شهردار وقت این شهر در حوزه ساخت و ساز فعال شد و پروژه‌های متعدد ساختمانی مسکونی و تجاری را عملیاتی کرد. از چندین سال پیش این انبوه ساز پیشرفت قابل توجهی کرده است، هر چند که روند ساخت برخی مجتمع‌ها و ساختمان‌های این شرکت از نظر استاندارد بودن و کیفیت با ابهامات و انتقاداتی مواجه بوده است. حتی معاونت پیشگیری سازمان آتش‌نشانی آبادان پس از ریزش این ساختمان در مصاحبه‌ای گفته است که 28 آبان سال گذشته در خصوص ساختمان متروپل هشدار داده بود ولی سرانجام این هشدار فقط ریزش ساختمان بود!

این انتقادات در حالی است که شرکت انبوه ساز عبدالباقی در وبسایت خود درباره میزان کیفیت مجتمع متروپل نوشته است: سازه بتنی متروپل کاملاً ضد زلزله و با شمع‌های 27 متری ساخته شده است و نمای آجر، سنگ و شیشه‌ای با نورپردازی کاملاً حرفه‌ای، جلوه خاصی به این سازه عظیم داده است.

وبسایت این شرکت در ادامه نوشته است که پروژه متروپل بزرگ‌ترین پارکینگ طبقاتی در منطقه آزاد اروند در هشت طبقه با ظرفیت حدود 800 خودرو را شامل می‌شود. در حالی که تصاویر منتشر شده در فضای مجازی از اخطاریه ساخت این ساختمان، نشان می‌دهد که در سال 99 مهندسین ناظر درباره ایرادهای جدی در سازه متروپل هشدار داده‌اند. حتی یک خبرنگار خوزستانی ادعاهایی را درباره اعمال نفوذ مالک پروژه مطرح کرده است.

در این روزها تصاویری از حضور غلامرضا شریعتی، استاندار سابق خوزستان در مراسم افتتاحیه متروپل منتشر شده که او در این مراسم گفته است: متروپل آبادان به توسعه فضای شهری، چشم‌نوازی ساختمان‌ها و رشد و توسعه این شهر کمک قابل‌توجهی کرده است. به دنبال حواشی بازنشر این تصاویر و اظهارات استاندار سابق خوزستان به سراغ غلامرضا شریعتی رفتیم.

او گفت: متروپل یک ساختمان دوقلوست و ساختمانی که در آن زمان افتتاح کردیم ساختمان کنار پروژه متروپل است. اما برخی از افراد و رسانه‌های خارجی، تصاویر آن را منتشر کردند و نوشتند که من این ساختمان را افتتاح کردم. این ساختمان هنوز افتتاح نشده و در حال ساخت بود. البته ناگفته نماند که افتتاح هر ساختمانی به معنای تایید نهایی آن نیست زیرا وقتی من آن ساختمان را افتتاح کردم کلی دستگاه و مسئول وجود داشت که وظیفه نظارت بر ساختمان‌ها را داشتند. آن بخش از ساختمان که مربوط به ساختمان پزشکان و درمانی بود، آماده شد و به بهره‌برداری رسید و مراجع نظارتی هم هیچ هشدار ندادند. بخش دیگری از متروپل هم قرار شد بعداً ساخته شود که پروژه ادامه پیدا کرد. در زمان مدیریت من هیچ نامه و خطاریه ای صادر نشده بود شریعتی درباره نامه خطاریه درباره نداشتن ایمنی کافی این ساختمان هم پاسخ می‌دهد: من اطلاعی درباره این نامه ندارم. هرچند که بررسی‌ها نشان می‌دهد من در سال 98 این ساختمان را افتتاح کردم و این نامه در سال 99 منتشر شده است. او درباره شرکت عبدالباقی و ابهامات درباره آن هم می‌گوید: عبدالباقی کلی ساختمان در آبادان ساخته و مردم زیادی را خانه‌دار کرده است.



این شرکت، تشکیلات عریض و طویلی دارد و مرتب برای توسعه خوزستان گام بر می‌دارد. حتماً باید بر کیفیت کارش هم نظارت می‌شد و نظام مهندسی، شهرداری و مهندسین ناظر و مشاوران پروژه باید نظارت‌های خودشان را داشته باشند. تا الان هم به من گزارشی نشده بود که سازه‌های این شرکت مشکلی دارد. من الان بیشتر از یکی دو سال است که از استانداری خوزستان رفته‌ام و مسئولان بعد از من هم مانع کار این شرکت نشده‌اند چون گزارشی به آن‌ها داده نشده است.

درست در روزهایی که برج متروپل با آن وضعیت نابسامان و غیراصولی ساخته می‌شد، عبدالباقی از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت دولت قبل به‌عنوان چهره ماندگار صنعت ساختمان معرفی شد و لوح تقدیر گرفت!

او ارتباطات متعددی با مسوولان استانی دارد، به گونه‌ای که برای کلنگ‌زنی و افتتاح پروژه‌های شخصی‌اش مسوولان رده بالای استانی هم حضور پیدا می‌کنند! مثلاً برای افتتاح همین برج «متروپل» شخص استاندار وقت نیز آمده بود. او حتی با ساختن کلانتری برای نیروی انتظامی توانسته است خود را به عنوان «خیر امنیت‌ساز» معرفی کند و لوح تقدیر هم بگیرد.

اکنون با توجه به حادثه اسفناک فرو ریختن برج متروپل، این پرسش باید به‌طور جدی درباره پروژه‌های ساخته شده یا در دست ساخت این هلدینگ مورد بررسی قرار بگیرد که آیا در این پروژه‌ها موازین و اصول ساختمان‌سازی رعایت شده‌اند یا همانند متروپل، بدون رعایت اصول ساخته شده‌اند و ممکن است هر کدام از آن‌ها آستان حوادث تلخی چون متروپل

باشند.

اعتراضات مردمی

احترام به جانباختگان در حادثه فرو ریختن برج متروپل آبادان در شهر ری با شعارهایی علیه حکومت ایران همراه بود. همچنین یک رسانه نزدیک به سپاه پاسداران تایید کرد که شامگاه شنبه هشتم خرداد تجمعاتی اعتراضی در آبادان و دزفول شکل گرفته است.

ویدیوهایی که از شهر ری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است، نشان می‌دهد معترضان شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر می‌دهند. گزارش‌ها حاکی از حضور چشمگیر نیروهای امنیتی در این تجمع است که در حسینیه عرب‌های شهر ری برگزار شد.

این مراسم ابتدا قرار بود که در حسینیه خوزستانی‌های مقیم تهران برگزار شود، اما برخی خبرنگاران در شبکه‌های اجتماعی گزارش داده‌اند که مراسم به دستور نیروهای امنیتی در نهایت به حسینیه عرب‌های شهر ری منتقل شده است.

خبرگزاری فارس در گزارش خود صرفاً به شعارهای غیرسیاسی در این مراسم اشاره کرده، نظیر «عزا عزاست امروزست، آبادان بی‌پناه صاحب عزاست امروز». اما همین خبرگزاری تایید کرده آبادان و دزفول شامگاه شنبه بار دیگر صحنه اعتراضات مردمی بوده‌اند.

گزارش خبرگزاری فارس معترضان در آبادان را «دسته‌های کم جمعیت» نامیده که «در محدوده فلکه مجسمه تا فلکه الله شعار سردادند» و نوشته که «اما پلیس مانع اجتماع مردم در محدوده میدان طوطیا آبادان شد».

همین گزارش در ادامه می‌گوید: «دزفول در شمال خوزستان هم شاهد تجمع حدوداً 200 نفره مردم در سوگ فاجعه آبادان بود که عده‌ای محدود هم شعارهای سیاسی سردادند».

تاکنون فوت ۲۹ نفر در زیر آوارهای ساختمان فرو ریخته متروپل آبادان تایید شده و گفته می‌شود ده‌ها نفر هنوز زیر آوار هستند.

فرو ریختن این برج جرعه اعتراضاتی را در شهرهای مختلف ایران نسبت به فساد در ساختار حکومت ایران زده است، به طوری که مقامات جمهوری اسلامی نیز خود اعتراف کرده‌اند که در جریان ساخت این برج زد و بند گسترده‌ای بین مالک برج با ناظران و شهرداری رخ داده است. مقام‌های قضایی استان گفته‌اند که شهردار فعلی و دو شهردار قبلی آبادان بازداشت شده‌اند.

موقعیت شهر آبادان

آبادان شهری کهن است و برخی مورخان بر این باورند که پیش از روزگار تاریخ‌نگار یونانی هرودت، منطقه آبادان سکونت‌پذیر بوده است. «بهمن‌شیر» یا «بهمن‌اردشیر»، برگرفته از نام نخستین شاه ساسانی (اردشیر بابکان)، نام پیشین شهری بندری بوده که اکنون آن را به نام آبادان می‌شناسیم. اما دوران رونق و شکوه آبادان با نفت و پالایشگاه پیوند خورده است. پس از کشف نفت در مسجدسلیمان و لزوم ایجاد یک پالایشگاه نفت، پالایشگاه آبادان در سال 1291 توسط انگلیسی‌ها ساخته شد. این پالایشگاه ابتدا روزانه 2500 بشکه در روز نفت تصفیه می‌کرد، اما کم‌کم به 600 هزار بشکه در روز رسید.

احداث پالایشگاه آبادان، به کلی چهره این شهر را تغییر داد. حضور کارگران ماهر و مهندسان انگلیسی و کارکنان خارجی، وضعیت شهر را دگرگون کرد. هرچند همواره بین مهندسان و کارگران داخلی و خارجی، تبعیض و فاصله

طبقاتی وجود داشت.

در واقع نخستین پالایشگاه نفت خاورمیانه، نخستین روابط عمومی ایران، نخستین آتش‌نشانی ایران، نخستین ایستگاه رادیویی و نخستین مرکز تلویزیونی پس از تهران، نخستین پیست موتورسواری، ماشین‌سواری، اسکواش، گلف و سالن بلیارد در ایران، نخستین خطوط اتوبوسرانی درون شهری، نخستین راه‌آهن درون شهری در ایران، نخستین شبکه فاضلاب ساختمان متروپل، تنها یک نماد از دور ماندن آبادان از اصل خویش است.

آبادان که در زمان رونق و شکوه نفتی، بی‌همتا شناخته می‌شد، با تضعیف پیوندهایش با نفت، به شهری تبدیل شد که دیگر نفت و نظم و حتی قانون، محور آن نبود. فروریختن متروپل، غمی دیگر بر غم‌های آبادان و آبادانی‌ها اضافه کرد و اثبات کرد هویت نفتی آبادان که یک قرن پیش شکل گرفت و به مرور زمان بارور شد، تنها یک رونما و ظاهر نبود؛ باطنش هم استوار بود.

شهری در ایران، نخستین کودکستان در ایران، نخستین تاکسی تلفنی، نخستین سالن اجتماعات و نمایش در مدارس کشور، نخستین مدرسه غیرانتفاعی، نخستین مرکز آموزشگاه فنی و حرفه‌ای، نخستین دانشکده تخصصی نفت، نخستین نشریه داخلی سازمان که نامش مشعل بود و توسط شرکت نفت منتشر می‌شد. حتی نخستین پیتزا فروشی در ایران که نامش پیتزا مونکارلوی ایتالیایی بود، در آبادان تاسیس شد.

جالب آن است که در مقطعی در آبادان، 21 لاین خطوط هوایی به کشورهای مختلف به صورت مستقیم برقرار بود! در برخی از امکانات هم آبادان اولین نبود، اما امکانات رفاهی فراوانی در اختیار داشت؛ از سینما تا باشگاه‌های تفریحی و ... این امکانات رفاهی موجب شده بود جمعیت زیادی در این شهر مستقر شوند به طوری که آبادان تا سال 1355 خورشیدی از نظر جمعیت، نخستین شهر استان خوزستان بود و پس از آن سال، جای خود را به اهواز داد و به دومین شهر پرجمعیت خوزستان تبدیل شد.

ویژگی‌های جغرافیایی و دسترسی به حمل‌ونقل چندوجهی بنادر آبادان را از بقیه بنادر جنوبی کشور متمایز کرده است.

بنادر آبادان از استثنای‌ترین بنادر ایران به شمار می‌روند. آبادان، اروندکنار و چوئبده، هر سه بندرهایی در خلیج فارس هستند که در نزدیکترین نقاط ایران به عراق و کویت قرار گرفته‌اند. قرارگیری پالایشگاه بزرگ خلیج فارس در آبادان و فرودگاه این شهر، در کنار مزیت نزدیکی به عراق و کویت، همه دست‌به‌دست هم داده‌اند و موقعیت ممتازی برای آبادان و بنادر وابسته به آن فراهم کرده‌اند.

واردات در این بنادر هم مانند خیلی دیگر از بندرهای ایران محدود شده، اما کموبیش پارچه، لوازم‌خانگی، لوازم‌پدکی، لاستیک و ... از مبادی آب‌های این‌سوی کشور، با تمهیدات خاص، از مرزها عبور کرده و به دست مصرف‌کننده‌ها می‌رسد. صادرات این بنادر اما، همچنان به قوت خود باقی است. از بندر آبادان، کالاهایی مثل آبزیان (ماهی و میگو)، تره‌بار، علوفه، مواد غذایی و برخی محصولات صنعتی از جمله مصالح ساختمانی صادر می‌شود، اما تمرکز در چوئبده و اروندکنار بر صادرات ماهی و میگو است.

فعالیت بندر آبادان از سال 1347 آغاز شده است. در زمان جنگ تحمیلی، تمام فعالیت‌های بندری آن متوقف شد و پس از بازسازی آن در سال 1371، بار دیگر در این بندر صادرات به کشورهای منطقه و واردات از کشورهای گوناگون از سر گرفته شده است.

رضا سفاری، مدیر بنادر و دریانوردی بندر آبادان، درباره تاریخچه شکل‌گیری این سه بندر می‌گوید: بنادر آبادان، اروندکنار و چوئبده به شکل

فعلی و با ساختاری استاندارد قبلاً وجود نداشته و ساختوساز این بنادر به برکت جمهوری اسلامی ایران و با همت سازمان بنادر و توان داخلی بعد از پایان جنگ تحمیلی ایجاد شده‌اند و به جرئت می‌توان گفت که تنها زیرساخت‌های کلان و عظیم تجاری - اقتصادی احداثی پس از انقلاب در این شهرستان هستند.

در حال حاضر شش پست اسکله به متر اژ حدود 800 متر در بندر آبادان وجود دارند و آب‌خور کشتی‌هایی که می‌توانند در آن پهلو بگیرند حداکثر پنج متر و بیشینه‌ی ظرفیت شناورها پنج هزار تن است. در بندر آبادان در مجموع 90 لنج فعال و به‌طور خاص 30 لنج فلزی فعال به‌صورت مداوم تردد دارند.

به علاوه میزان تخلیه و بارگیری در مجموعه بنادر شهرستان آبادان در 9 ماهه امسال به ترتیب 22 درصد و 37 درصد (در مجموع 34 درصد و به میزان 130 هزار تن) نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد داشته و این رشد کاملاً در محوطه‌های بارانداز مشهود است.

در اروندکنار یک پست اسکله و در چوئبده دو پست اسکله فعال وجود دارد و معیشت مردم این دو شهرستان به‌نوعی به این دو بندر گره خورده است. بندرهایی که هر دو جزء بنادر قدیمی کشور به شمار می‌روند و هرکدام در حافظه تاریخی خود داستانی را نگه داشته‌اند، به‌طوری که نام بندر چوئبده یاد نجات و پیروزی را در ذهن همه ایران، نه فقط خوزستان، زنده نگه داشته است. درباره نقش حساس این بندر در شکست حصر آبادان، بارها و بارها صحبت شده و پل زردرنگ چوئبده روی بهمنشیر یادگار همان روزهاست. رودخانه‌ای با آب شیرین که دریانوردی در آن آرزوی هر صاحب شناوری است. امروز، نبض حیات چوئبده همین بندر کوچک است، چراکه حدود 70 درصد مردم این منطقه به صیادی و دریانوردی اشتغال دارند. یا ملوان و ناخدا و یا مالک شناورهای چوبی هستند و بخشی هم کار صیادی انجام می‌دهند.

بندر اروندکنار بزرگترین بندر صیادی ایران است که در سال 1387 به بهره‌برداری رسیده و آنچه این بندر را مهم می‌کند نزدیکی به بندر فاو عراق و دهانه اروند است. اروندکنار واپسین بندر ایران در کرانه اروندرود است. آمارها نشان می‌دهد که به‌واسطه این بندر برای حداقل 50 نفر در این محدوده اشتغال‌زایی شده است.

به‌طور میانگین، در سال حدود دو تا سه هزار تن ماهی از طریق اروندکنار به کویت و عراق صادر می‌شود. گفتنی است طرح‌های عمرانی و غیرعمرانی مختلفی در این بندر در دست اجرا قرار گرفته که جمع اعتبار کل موردنیاز آن‌ها 446 میلیارد تومان برآورد شده است.

چه آبادان به‌عنوان بندر مرکزی، چه همسایگان کوچکش - اروندکنار و چوئبده - این روزها با تلاش سازمان بنادر و دریانوردی و کارکنان زحمتکش‌شان روی پا ایستاده‌اند و اگرچه یک درصد در تجارت دریایی کشور سهم دارند، اما کمک بزرگی به تامین معیشت بومی‌ها کرده‌اند. پایگاه‌های مهم اقتصادی که اگر در سیاست کلی تجارت دریایی کشور جای بهتری برایشان دیده می‌شد، می‌توانستند چند برابر میزان کنونی درآمدزایی کنند و برای خوزستانی‌ها فرصت اشتغال و توسعه بیافرینند.

منطقه آزاد اروند

تصویب ایجاد منطقه آزاد اروند در نیمه دوم سال 1382 می‌توانست گامی در جهت رشد و رونق این شهر باشد، اما این اتفاق هیچ‌گاه به شکلی که در گذشته بود رخ نداد. نام آبادان با نفت گره خورده بود و در چهار دهه اخیر،



این پیوند تضعیف شده است. نتیجه اش آن شد که آنچه از نظم و ساماندهی امور از صنعت نفت به شهر آبادان تزریق شده بود، کمرنگ شد و آبادان که زمانی هویتی بی‌نظیر داشت، آهسته‌آهسته از هویت اولیه خود دور شد.

آبادان در جنگ ایران و عراق

دوران رونق آبادان، پیوند تنگاتنگی با نفت داشت، اما کم‌کم از این رونق کاسته شد که شاید عامل اصلی آن، جنگ هشت ساله بود که ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره این شهر وارد کرد. جنگ فاجعه‌ای بزرگتر برای آبادان بود. پالایشگاه که در روزهای ابتدایی جنگ از کار افتاد، نبض شهر از تپیدن ایستاد و روزهای دشواری که هشت سال طول کشید برای مردم آبادان ایجاد شد. با پایان جنگ، رونق نسبی، اندک‌اندک به شهر بازگشت، اما آبادان، به شکوه گذشته خود بازنگشت.

فاجعه سینما رکس آبادان

شاید نقطه آغاز ثبت فاجعه‌های پنج دهه اخیر در آبادان را بتوان حادثه سینما رکس آبادان دانست. بیست و هشتم مرداد 1357، بیش از پانصد نفر از کسانی که به تماشای فیلم گوزن‌ها در آخرین سئانس به سینما رفته بودند در آتش سوختند و فاجعه‌ای رخ داد که اگرچه عوامل اصلی آن هیچ‌گاه به روشنی مشخص نشدند، اما نقش مهمی در تسریع روند فشار بر حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب در همان سال داشت.



دو واقعه مهم و فاجعه‌بار یعنی واقعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در مرداد و کشتار معترضان شهریور ماه در میدان ژاله تهران در سال 1357، گسترش اعتراضات مردمی و اعتصابات گسترده کارگران و کارمندان صنعت نفت ایران علیه حکومت شاه بود و در ادامه با همین سازمان‌دهی و استمرار اعتصابات بود که افق پیروزی انقلاب و خط پایان شکست حکومت پهلوی نمایان شد.

در مورد عواملان آتش‌سوزی سینما رکس، حادثه‌ای که تا سی و سه سال بعد، نظریه‌های بسیاری گفته می‌شود اما هیچ شواهد قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که یکی از آن‌ها را اثبات کند. اما برخی انگشت اتهام خود را به سوی گروه‌های اسلامی گرفتند. جنایتی که یکی از دلایل عمده اعتصاب کارکنان شرکت نفت و وقوع انقلاب به‌شمار می‌رود چرا که این فاجعه سینما رکس بود که موجب تغییر حداکثری برداشت اکثریت خاموش و مردد مردم ایران شد تا با جنبش ضدشاه همراهی کنند.

شامگاه 28 مرداد سال 1357 هفتصد نفر برای تماشای فیلم «گوزن‌ها» به سالن سینما رکس آمده بودند که ناگهان گرفتار آتش شدند. مردم برای فرار از مهلکه به طرف درهای خروجی روی آوردند، ولی درها بسته شده بود و حدود چهارصد نفر در میان شعله‌های آتش جان باختند.

در همان زمان هم اعلام شد به احتمال فراوان حادثه عمدی است؛ اما بر سر عواملان این حادثه همواره بحث‌ها و روایت‌های مختلفی وجود داشت. حکومت

جریانات اسلامی را متهم می‌کرد و جریانات اسلامی هم حکومت شاه را عامل این فاجعه معرفی می‌کردند.

فردای روز حادثه هزاران نفر از مردم آبادان و بستگان قربانیان که در مراسم تشییع گرد هم آمده بودند، ساواک را مسئول این حادثه دانسته و شعارهای تند علیه حکومت شاه سر دادند.

شنبه شب 28 مرداد ماه سال 1357، سینما «رکس» آبادان آتش گرفت و جز تنی چند، همه تماشاگران آن در آتش سوختند و بدین‌گونه، دردناک‌ترین رویداد دوران انقلاب ایران رقم خورد.

تنها چند ساعت پس از آن، اعلامیه‌ای در سطح شهر آبادان پخش شد که شهربانی و ساواک را عامل آتش‌سوزی معرفی می‌کرد.

در فضای ملتهب انقلابی آن دوران، به زودی این شعار در سراسر ایران «سرداده شد که «رکس آبادان را شاه به آتش کشید»

فردای آن روز، سرتیپ رزمی، رییس شهربانی آبادان، بر صفحه تلویزیون حاضر شد و علت حادثه را «خراب‌کاری» اعلام کرد.

سرهنگ اردشیر بیات، معاون انتظامی وقت شهربانی آبادان، که آن شب خود را به سرعت به محل حادثه رسانده است، در گفت‌وگو با رادیو فردا، واقعه را این‌گونه شرح می‌دهد: «ساعت حدود هشت یا نه شب ماه رمضان بود و من روزه بودم و با فرمانده قرارگاه، سرگرد خنیفر که اهل آبادان بود، به منزل رفتیم. حدود ساعت 10 شب، تلفن منزل من زنگ زد و افسر نگهبان قرارگاه اطلاع داد که سینما رکس آتش گرفته است و اگر فرمانده قرارگاه آن جاست، «فورا خود را برساند»

او اضافه کرد: «فرمانده قرارگاه بلافاصله حرکت کرد و رفت. حدود پنج یا شش دقیقه بعد، افسر نگهبان دوباره تماس گرفت و گفت خود شما هم بیایید، زیرا آتش‌سوزی بسیار شدید است و جمعیت زیادی در سینما هستند. من به محل رسیدم و دیدم که بسیار شلوغ است و در عرض 10 یا 20 دقیقه تمام «پرسنل شهربانی در محل حاضر شده‌اند»

بیات افزود: «متأسفانه سینما در طبقه دوم قرار داشت و دسترسی به طبقه بالا بسیار مشکل بود. در این جریان، بزرگترین ابهامی که وجود دارد این است که می‌گفتند در سینما را بسته‌اند، در صورتی که حدود 15 تا 20 نفر، از ابتدا از همان درهای سینما بیرون آمدند و ما از این‌ها بازجویی کردیم و «عده‌ای را که مجروح شده بودند، به بیمارستان فرستادیم»

به گفته او، حدود نیم ساعت تا سه ربع طول کشید تا ماموران آتش‌نشانی توانستند به راهروهای داخلی رخنه کنند، ولی نمی‌توانستند به داخل سالن «بروند، زیرا شعله‌های آتش گسترده بود»

معاون انتظامی وقت شهربانی آبادان افزود: «یک افسر ما به نام سرگرد نیکوبدل با چند تن از پاسبان‌ها به بالکن سینما رفتند و از آن‌جا دور تا دور سینما را سوراخ کردند و توانستند به کمک ماموران آتش‌نشانی، لوله‌های آب‌پاشی را از طریق آن سوراخ‌ها به داخل سینما نفوذ دهند و آتش را «خاموش کنند»

روز 31 مردادماه برابر با هفدهم ماه رمضان، خمینی، که هنوز در آن زمان در نجف بود، ادعا کرد: «من گمان نمی‌کنم هیچ مسلمانی، بلکه هیچ انسانی دست به چنین فاجعه‌ای بزند. قراین نیز نشان می‌دهد دست جنایتکار دستگاه ظالم در کار باشد که نهضت اسلامی ملت را در دنیا بد منعکس کند»

مذهبیون طرفدار آیت‌الله خمینی آن روزها استدلال می‌کردند که حکومت شاه خواسته است با آتش زدن سینما رکس، آنان و اسلام را بدنام کند.

اشاره خمینی به سخنرانی شاه بود که دو روز پیش از حادثه سینما رکس ادعا کرده بود: «ما به شما امید و وعده تمدن بزرگ می‌دهیم و فکر می‌کنم دیگران وعده وحشت بزرگ بدهند. باز، مقایسه‌اش با ملت ایران است.»

#### تصادفات رانندگی در ایران

میزان خسارت‌های ناشی از تصادف‌های رانندگی در ایران، به دلایلی چون ناامنی خودروها، غیراستاندارد بودن جاده‌ها و نیز فرهنگ غلط رانندگی، به بیست برابر میانگین جهانی رسیده است.

بر اساس آمار منتشرشده، بین سال‌های 1373 تا 1399 بیش از 509 هزار نفر در ایران بر اثر تصادف‌های رانندگی کشته شده‌اند. برای درک بزرگی این آمار می‌توان از جنگ هشت‌ساله ایران و عراق یاد کرد که مجموع کشته‌های ایران به حدود 190 هزار نفر رسید.

همچنین پلیس ایران گزارش داده است که مجموع هزینه‌های خسارات تصادفات رانندگی در ایران «بیش از هشت درصد تولید ناخالص داخلی» است.

کمال هادیانفر، رییس پلیس راهور، درباره میزان خسارات مالی چنین توضیح داده است: «مطابق گزارش سازمان بهداشت جهانی، عواقب مالی سوانح ترافیکی نیز فراوان بوده و در کشورهای با درآمد کم و متوسط، مرگومیر ناشی از سوانح ترافیکی، بین دو تا هفت درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهد.

این مقام پلیس حکومت اسلامی ایران، همچنین افزوده است: «تحقیق مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی تصادفات رانندگی در کشور ما بالغ بر هشت درصد تولید ناخالص داخلی است. هزینه مذکور فقط برای سال 90 معادل حدود 52 هزار میلیارد تومان بوده است.»

استان‌های فارس، سیستان و بلوچستان، کرمان، خوزستان و اصفهان بیشترین میزان تلفات را در تصادف‌های رانندگی داشته‌اند که دلیل آن وجود نقاط حادثه‌خیز در راه‌های این استان‌ها و رعایت نکردن اصول رانندگی نسبت به استان‌های دیگر ایران است.

کاهش بودجه راهسازی در ایران روند ترمیم جاده‌ها را با مشکل روبه‌رو کرده است و هر سال نیز به شمار نقاط حادثه‌خیز جاده‌ها افزوده می‌شود.

رسانه‌های ایران اعداد متفاوتی را از نقاط حادثه‌خیز جاده‌ای در ایران منتشر کرده‌اند که در مواردی به بیش از ۱۰ هزار هم نقطه می‌رسد.

مهندسی غلط راه‌های ایران از مشکلات این جاده‌ها محسوب می‌شود. علاوه بر این، بسیاری از جاده‌های ایران از علائم رانندگی به میزان کافی برخوردار نیستند و حتی خطوط استاندارد جاده‌ای در آن‌ها وجود ندارد.

مشکل آسفالت معیوب هم از دیگر ایرادهای جاده‌های ایران است. تا کنون گزارش‌های بسیاری از مرگ و حادثه به دلیل خرابی پوشش جاده‌ها در ایران منتشر شده است.

بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی، ایران در سال 2018 از نظر آمار تلفات رانندگی در میان 170 کشور رتبه 63 را دارا بوده است.

تعداد مرگ در این ارزیابی برای هر یکصد هزار نفر در ایران در سال 2018 حدود 20 کشته بوده، حال آن که این عدد برای مثال در آلمان چهار نفر گزارش شده است.

یکی دیگر از دلایل مهم بالا بودن آمار مرگومیر در تصادف‌هایی که در ایران رخ می‌دهد، ایمنی پایین خودروهای ایرانی است. بیش از 90 درصد

خودروهای تولیدشده در صنعت خودرو ایران بر پایه سه پلتفرم قدیمی ساخته می‌شوند. پلتفرم پراید که بعدها با توسعه تبدیل به پلتفرم تیبا شده، پلتفرم پژو 405 و پلتفرم پژو 206 تقریباً بیش از 90 درصد تولیدات صنعت خودرو ایران را شامل می‌شود درحالی‌که هر سه پلتفرم حداقل دو دهه است که از رده خارج شده‌اند.

آماری که رییس هیات مدیره جمعیت طرفداران ایمنی راه‌های کشور ارائه داده حکایت از آن دارد که «میزان تصادفات جاده‌ای در ایران ۲۰ برابر استانداردهای جهانی است و میزان کشته‌های تصادفات جاده‌ای در روز به ۴۵ نفر رسیده که مهم‌ترین دلیل آن عامل انسانی و پس از آن تولید بی‌کیفیت خودروهای سواری و ناایمنی جاده‌های ایران است.»

بیشتر عامل تصادف‌ها در بخش اتوبوس‌ها نیز خستگی و خواب‌آلودگی گزارش شده است.

در کنار این‌گونه مشکلات، بحث قطعات نامرغوب و گرانی قطعات یدکی و وجود نقاط حادثه‌خیز و خرابی راه هم بر آمار تصادف می‌افزاید کامیون‌های بی‌کیفیت چینی از دیگر دلایل تصادف‌های رانندگی در ایران است. در بسیاری از موارد این کامیون‌ها مشکل درست عمل کردن سیستم ترمز داشته‌اند.

یک سازمان غیرانتفاعی مستقل مستقر در بروکسل است که در حوزه ETSC کاهش تصادفات در حمل‌ونقل در حوزه اروپا فعالیت می‌کند. این سازمان در پایگاه تحلیلی و اطلاع‌رسانی خود آمار خسارات جانی و مالی ناشی از تصادفات جاده در اتحادیه اروپا را منتشر کرده است: «در سال 2020 میلادی 18 هزار و 844 نفر در ترافیک جاده‌ای در اتحادیه اروپا جان خود را از دست دادند که 10 هزار و 847 نفر کمتر از سال 2010 و نشان‌دهنده «کاهش 37 درصدی است»

بر اساس گزارش سایت دیجیاتو، تعداد جان‌باختگان در تصادفات جاده‌ای اتحادیه اروپا با 18 هزار نفر در یک سال در حالی است که سال 1399 طبق آمار پلیس ایران، 17 هزار نفر در تصادفاتمان قربانی داده‌ایم گفتنی است که اتحادیه اروپا حدود 450 میلیون نفر جمعیت دارد و تعداد خودروهای آن بسیار بیشتر از ایران است، اما تعداد کشته‌های اروپا از ایران 84 میلیونی تنها اندکی بیشتر است.

نوزاد رها شده در خیابان طی 10 روز 5000 حدود 5000 نوزاد رها شده طی 10 روز در خیابان‌های سراسر ایران خبر از یک فاجعه اجتماعی در ایران می‌دهد. این آمار تکان‌دهنده از هزاران نوزاد رها شده را محمدرضا محبوب‌فر، کارشناس و پژوهش‌گر حوزه برنامه‌ریزی توسعه و آسیب‌های اجتماعی، در مصاحبه به رسانه‌های حکومتی فاش ساخت. (سایت حکومتی رویداد 24 - 7 خرداد 1401)

نوزاد رها شده طی 10 روز به این معنی است که روزانه 500 جنین 5000 تازه متولد شده در خیابان و بدون سرپرست رها شده‌اند محبوب‌فر ادعان داشت که به‌طور معمول روزانه بین 2000 تا 2500 جنین و نوزاد در ایران سقط یا پس از تولد در خیابان رها می‌شوند.

او با اشاره به سونامی قیمت‌ها طی دو سه سال اخیر این موضوع را یکی از عوامل موثر در افزایش آمار هزاران نوزاد رها شده در خیابان می‌داند. وی افزود: «در شرایطی که در تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور خط فقر مسکن به 80 یا 90 درصد رسیده است، 40 میلیون نفر از جمعیت کشور حاشیه‌نشین یا بد مسکن شده‌اند. 30 میلیون نفر از جمعیت ایران اجاره‌نشین

هستند که 50 درصد درآمدشان صرف تامین مسکن می‌شود. با احتساب این مخارج چیزی برای آموزش، بهداشت و درمان و تفریح باقی نمی‌ماند. در نتیجه می‌توان گفت وسایل پیش‌گیری از بارداری از دسترس این 40 میلیون نفر خارج شده است.»

این کارشناس حکومتی تاکید کرد که قانون جوانی جمعیت در حال حاضر تبدیل به بحرانی مضاعف شده و باعث افزایش و تکثیر آسیب‌های اجتماعی در ایران شده است. آمار قابل توجه آسیب‌دیدگان اجتماعی و زنانه شدن فقر از یک سو و افزایش فشارهای اقتصادی و ناتوانی افراد در ازدواج و فرزندآوری شرایطی را فراهم کرده است که بسیاری از خانواده‌ها علاقه‌ای به فرزندآوری ندارند. اکنون با تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت شرایط برای گروه‌های آسیب‌دیده و در معرض آسیب سخت‌تر شده است چرا که سقط جنین و استفاده از لوازم پیش‌گیری از بارداری با محدودیت‌های بیش‌تری مواجه شده است.

پیش از تصویب این قانون از اقلام پیش‌گیری از بارداری توسط خانه‌های بهداشت یا سمن‌های فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی به‌صورت رایگان در اختیار اقشار نیازمند و افراد آسیب‌دیده مانند زنان و مردان کارتن‌خواب قرار می‌گرفت. مهم‌ترین دستاورد این قانون افزایش سقط جنین در ایران است.

بنابر اعلام وزارت بهداشت روزانه هزار جنین در ایران به‌صورت قانونی یا غیرقانونی سقط شده و می‌میرند. به این آمار رسمی باید آمار غیررسمی و ثبت نشده سقط جنین و نیز هزاران نوزاد رها شده در خیابان را نیز اضافه کرد.

فاجعه تکان‌دهنده 5000 نوزاد رها شده در خیابان تنها طی 10 روز در حالی است که ولی علی خامنه‌ای، علی خامنه‌ای در جدیدترین رهنمود خود، خواستار افزایش جمعیت کشور شد.

جامعه ایران در سراشیبی فروپاشی

اکنون این سؤال مهم مطرح است که آیا فروپاشی سیاسی و اجتماعی در انتظار ایران است؟

جامعه ایران به کجا می‌رود؟ نتیجه آنچه که دیگر شکاف به اصطلاح دولت - ملت ترمیم‌شدنی نیست و در دو جبهه متقابل و متخاصم قرار دارند. اعتماد مردم به حاکمیت از میان رفته و هیچ قدرتی قادر نیست این وضعیت را ادامه دهد.

اکنون جامعه ایران در آستانه یک جنگ طبقاتی قرار دارد. ریشه اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها در زمینه‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را باید در عملکرد حاکمیت سرمایه داری اسلامی ایران جست‌و و بررسی کرد. حدود 44 سال است که این حکومت به مطالبات و هشدارها و اعتراض‌ها مردم اهمیت نداده و انبوهی از مطالبات و خواسته مردمی روی هم انباشته شده‌اند و به اکنون به نقطه انفجار اجتماعی رسیده است.

به خصوص از سال 1396 و اعتراض سراسری که در این سال راه افتاد وضع ایران را دگرگون کرد و وارد مرحله از رابطه مردم با حاکمیت ساخت. مردمی که حق شان را یم خواهند حکومتی که به جای کردن گذاشتن به این مطالبات مردمی کردن کشتی و لشکرکشی می‌کند و دست به خشونت و آدم‌کشی می‌زند. اکنون تضاد و شکاف طبقاتی بین مزدگیران و کارفرمایان به اوج خود رسیده است.

این روال که از سال 96 آغاز شده است و در سال 98 هم ادامه پیدا کرد بعد

از آن فاصله‌های اعتراضات و اعتراضات بسیار کمتر شده است. این تغییر نه فقط در مورد کارگران، بلکه در مورد سپرده‌گزاران، آموزش و پرورش‌های شاغل و بازنشسته، کارگران پیمانی صنایع نفت و پتروشیمی، کشاورزان اصفهان، مالباختگان، معترضین به بی‌آبی در خوزستان و غیره روی داده است.

اکنون اکثریت مردم ایران به این نتیجه مردم مطمئن شده‌اند که مسئولین حکومتی به حرفشان را گوش نمی‌کنند، گوش‌هایشان را بسته‌اند و نمی‌شنوند و یا برایشان مهم نیست. حالا هر چه قدر این با خشونت حکومتی هم همراه شود و ادامه یابد این شکاف مردم و حاکمیت عمیق‌تر می‌شود. فعلا قدرت و اسلحه و نیروی سرکوب معمولاً در دست حکومت، مسئولان، مدیران و فرماندهان سپاه و بسیج و نیروی انتظامی و نظامی است و هنوز مردم فاقد قدرت‌اند اما به هر بهانه‌ای به خیابان‌ها می‌ریزند و با شعارهای تند و تیز خود علیه حکومت و مقامات و رهبری آن سر می‌دهند و عملاً می‌گویند که دیگر ترسی از سرکوب و خشونت دولتی ندارند. چون هیچ اعتمادی به حاکمیت ندارند، شعارهایشان سیاسی‌تر و و رادیکال‌تر می‌شود و جامعه به سراشیبی سقوط می‌رود.

در واقع جامعه ایران به شدت دوقطبی شده است و مردم ایران در سال سال گذشته تجارب خونینی را از سر گذرانده‌اند. حکومتی که نمی‌تواند خواسته‌ها و مطالبات مردم را برآورد کند، این یعنی هم فاجعه و هم انقلاب. حکومت اسلامی ایران فعلاً بر روی آتش بنزین می‌پاشد اما نمی‌داند که نهایت این آتش او را خواهد سوزاند و به طودر تبدیل خواهد کرد.

روزبه‌روز خودآگاهی طبقه کارگر و مردم معترض بالا می‌رود تا این که موانع موجود بر سر راهشان بگذرند و به پراکنده‌گی غلبه پیدا کنند و مبارزه خود را به سطح عالی‌تری ارتقا دهند.

در راس جنبش‌های موجود جنبش مطالبه‌گری سیاسی - طبقاتی قرار دارد. مطالبه‌گری سیاسی که بر اساس آگاهی سیاسی درست و تحلیلی از اوضاع شکل گرفته، در مسیر درستی حرکت می‌کند. به عبارت دیگر آگاهی و تحلیل درست طبقاتی شرکت اول حرکت در مسیر سیاسی درستی است.

در شرایط کنونی صدای آه و ناله، شیون و فریاد، خشم و اعتراض از بطن جامعه شده است این وضعیت نشان می‌دهد که جامعه در حال فروپاشی است. هرچند که جامعه‌ای که در حال تغییر است، باید هزینه این تغییر را هم بپردازد.

صدای شکستن ساختارهای سنتی و ایدئولوژی حکومت در جامعه ایرانی شنیده می‌شود. هنگامی که این ساختارها در جامعه شکسته شوند، دیگر زندان و شلاق و شکنجه تأثیری ندارد. در چنین شرایطی چاره‌ای جز تن دادن به مطالبات مردم وجود نخواهد داشت. این‌جاست که به مرحله تغییر توازن قوا نزدیک شد.

امروز همگان کمابیش به این نتیجه رسیده‌اند که حکومت اسلامی ناکارآمد است و به همین دلیل مردم تلاش می‌کنند آلترناتیو خود را پیدا کنند. شکی نیست که در این راه خونریزی و خشونت حکومتی رخ خواهد داد.

بدترین سناریویی که می‌توان برای آینده ایران تصور کرد این است که حکومت عقلانی عمل نکند و به مطالبات مردم گردن نگذارد. آیا حکومت بیش از این چشم و گوش خود را بر حقیقت وضعیت موجود جامعه ایران خواهد بست و شکستن سنت‌ها و اهداف و برنامه‌هایش نمی‌شنود؟

یک فقیر مطلق به ازای هر سه ایرانی؛ صدای فروپاشی جامعه ایران نیست؛ حتی گزارش پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان نشان می‌دهد؛ در سال‌های اخیر،

مساحت زیر خط فقر به شدت افزایش یافته تا جایی که از هر سه نفر در ایران، یک نفر فقیر است؛ تازه باید در نظر داشته باشیم که در این پایش، شاغلان فقیر را در نظر نگرفته‌اند؛ که اگر در نظر گرفته شود، از آن دو نفر، یک نفر دیگر نیز قطعاً فقیر واقعی است.

یک ترک تحصیل از هر سه دانش‌آموز؛ صدای فروپاشی جامعه نیست؟ تا آغاز سال تحصیلی جدید یعنی 1402 - 1401 چیزی باقی نمانده است، اما سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کشور سال گذشته یک هفته مانده به آغاز سال تحصیلی اعلام کرده بود: «هنوز 2 میلیون و 110 هزار دانش‌آموز نسبت به خرید اینترنتی کتاب‌های درسی خود اقدام نکرده‌اند.»

سال پیش‌تر از آن نیز رییس سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور اعلام کرده بود: «با وجود اهمیت آموزش مجازی، هم‌اکنون 30 درصد دانش‌آموزان یعنی حدود پنج میلیون دانش‌آموز، از وسایل هوشمند آموزش بی‌بهره هستند.»

پنج میلیون دانش‌آموزی که امکانات آموزش هوشمند ندارند و خطر افت تحصیلی و ترک تحصیل آن‌ها را تهدید می‌کند، به باور صاحب نظران این درد اگر علاج نشود، در سال‌های آینده به بحرانی فرهنگی و اجتماعی تبدیل می‌شود.

امروز آسیب‌ها و بحران‌های متعددی، خانواده‌های ایرانی را به صورت جدی و فراگیر تهدید می‌کند. خانواده کوچکترین و مهم‌ترین نهاد هر جامعه‌ای به شمار می‌رود که با وجود همه بحران‌ها و دگرگونی‌هایی که با آن روبه‌رو هست، اگرچه به قول آنتونی گیدنز «نمی‌توان گفت که در آستانه زوال و فروپاشی کامل قرار دارد» اما به‌شدت در معرض آسیب است و صدای فروپاشی آن از گوشه و کنار کشور به گوش می‌رسد.

هر چند هنوز نهاد خانواده در ایران، اگر چه همچنان نفس می‌کشد، اما در بسیاری از موارد، دیگر آن انسجام سابق را ندارد و برخی کارویژه‌های آن، از جمله کارکردهای حمایتی، عاطفی و هویتی خانواده در حال کم‌رنگ شدن است. اکنون برای بسیاری از خانواده‌های ایرانی زندگی مشترک، دیگر الزاما تصویری از خوشبختی و آرامش نیست.

این روزها خانواده در ایران، زاویه‌های تاریک و الگوهای خشن خود را با دخترکشی و زن‌کشی بیشتر نشان می‌دهد. از انواع خشونت عاطفی و شکل‌های مختلف طلاق گرفته تا در نهایت جدایی مطلق و به کارگیری خشونت. در واقع آهنگ فروپاشی خانواده‌ها از زیر پوست شهر شنیده می‌شود.

برخلاف عرب صنعتی در ایران اما «فقر» ساختار و الگوهای خانواده را به شدت به هم ریخته است و از شکل خانواده گسترده به هسته‌ای کوچک در چهاردیواری ناامن تبدیل شده است. ازدواج دختران حتی به ۱۰ سال تنزل یافته و مطابق گزارش مرکز آمار ایران، هر سال ده‌ها هزار دختر بچه 10 تا 14 ساله وادار به ازدواج می‌شوند.

بر اساس آمارها، یک سوم خانوارهای ایرانی، زیر خط فقر قرار دارند. یعنی از هر سه نفر، یک نفر زیر خط فقر، درآمد داشته است.

مدت‌هاست که طبقه متوسط جامعه سقوط کرده و این طبقه هم ضعیف‌تر و غفیرتر شده و ناگهان فاصله میان طبقات بیشتر و بیشتر شده است. در مجموع گفته می‌شود بیش از یازده درصد مردم در طول پنج سال به زیر خط فقر رانده شده‌اند و هم‌اکنون بیش از 26 میلیون نفر از جمعیت کشور، «فقیر مطلق» هستند.

فقر مطلق یعنی این‌که دولت نتوانسته است تدابیری اتخاذ کند تا اطمینان

حاصل شود که طبقه فقیر جامعه آنچنان درآمد حداقلی دارد که درمانده تهیه کالاهای اساسی و مورد نیاز روزانه خود نباشد. فقر مطلق یعنی این که در کشور قیمت «دنبه» به کیلویی بیش از 80 هزار تومان رسیده و استخوان خالی کیلویی 45 هزار تومان است و خش زیادی از شهروندان جامعه اینچنین روزگار را در فلاکت و نگرانی روزانه سپری می کنند. گوشت، شیر، ماست، آجیل، خشکبار، ماهی و میگو، تخم مرغ، مرغ و پنیر نیز طبق گزارش مرکز آمار ایران، از سفره این طبقه به کلی حذف شده است و سلامت عمومی آنها در معرض خطر است. رییس اتحادیه بنکداران هم، از کاهش 35 درصدی فروش مواد غذایی در ایران خبر داده است. این تصویر رسمی و آماری از وضع فقر و طلاق در جامعه ایران است که البته به نظر می رسد در زیر پوست شهر وضعیت به مراتب نگران کننده تر است. برنامه ای دقیق و علمی هم برای رهایی از این وضعیت دیده نمی شود. تورم و فروپاشی اقتصادی، گلوی نهاد خانواده در ایران را آنچنان فشرده است که سرپرست خانوار نمی تواند به دیگر آسیب هایی که او را تهدید می کند بیندیشد. بحران حاد اقتصادی ایران را می توان به خوبی از روی تازه ترین داده های بانک جهانی تحلیل کرد.

سال 1396 بانک جهانی، آمار تولید ناخالص داخلی (GDP) ایران را بر حسب دلار و به قیمت واقعی دلار در ایران به روز رسانی کرد و اقتصاد ایران با تولید ۱۹۲ میلیارد دلار در سال در جایگاه ۵۱ امین اقتصاد جهان قرار گرفت! اقتصادی به اندازه نصف امارات و یک چهارم ترکیه و عربستان! این آمار تکان دهنده بانک جهانی می گوید که اندازه اقتصاد ایران به یکسوم کاهش یافته است.

کشوری که همین چند ماه پیش رییس سازمان برنامه و بودجه اش ادعا می کرد هجدمین اقتصاد دنیاست، حالا در رتبه 51 جهان قرار گرفته است. اکنون ایران جزو کشورهای با درآمد سرانه پایین است. این یعنی اندازه اقتصاد ایران با حدود 85 میلیون نفر جمعیت، نصف امارات، یک چهارم ترکیه و یک صدم آمریکا است!

کارشناسان علت این «آب رفتن» اقتصاد را افت شدید تولید ناخالص داخلی، تورم بالا، عدم سرمایه گذاری خارجی، افت جریان صادرات و واردات و قطع جریان سرمایه عنوان می کنند.

آبادان امروز

آبادان- رییس شورای اسلامی شهر آبادان گفت: متأسفانه در شهر آبادان طرح های اشتغالزایی به صورت زیربنایی، ریشه ای و ماندگار اجرا نشده است.

خلیل جنامی در گفت و گو با خبرنگار مهر در آبادان اظهار کرد: طی سال های گذشته معضل بیکاری در آبادان دامنگیر جوانان این شهر شده است. وی، وجود معضل بیکاری را به وجود آورنده تبعات ناخوشایند در جامعه عنوان کرد و گفت: این امر، ناهنجاری های اجتماعی را در سطح آبادان ترویج می دهد.

رییس شورای اسلامی شهر آبادان، ایجاد اشتغال پایدار و حمایت از سرمایه گذاران را از راه های مبارزه با پدیده شوم بیکاری و جلوگیری از مهاجرت جوانان آبادانی به سایر شهرها دانست و افزود: تشکیل شورای سرمایه گذاری آبادان و همچنین برگزاری همایش بین المللی سرمایه گذاری در این شهر یکی از راه های برون رفت مشکلات اقتصادی آبادان به ویژه بیکاری است که طی سال های گذشته به صورت مستمر نسبت به آن تاکید داشته ایم.



جنامی با تاکید بر این‌که متأسفانه در شهر آبادان طرح‌های اشتغال‌زایی به‌صورت زیربنایی، ریشه ای و ماندگاری اجرا نشده است، تصریح کرد: این موضوع سبب افزایش بیکاری به خصوص در میان قشر تحصیل‌کرده آبادان شده است.

او با بیان این‌که جوانان تحصیل‌کرده آبادان، پتانسیل‌های بالقوه این شهر هستند، توضیح داد: جوانان آبادانی پس از متحمل شدن هزینه‌های سرسام‌آور تحصیل و فراغت از تحصیل با نبود شغل مناسب، ناچاراً مهاجرت را بر ماندن در این شهر ترجیح می‌دهند.

رئیس شورای اسلامی شهر آبادان در ادامه بر لزوم توجه به موضوع کارآفرینی تاکید و اظهار کرد: با توجه به بیکاران بسیاری از جوانان آبادان به خصوص در میان دانش‌آموختگان و نبود استخدام در دستگاه‌های دولتی، جوانان آبادانی می‌توانند با ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایجاد مشاغل پایدار با حداقل هزینه‌ها و در واقع کارآفرینی گام بردارند.

جنامی، رفع قوانین دست و پاگیر اداری برای کارآفرینان آبادانی را ضروری قلمداد کرد و افزود: کارآفرینی با توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها رابطه تنگاتنگی دارد و بسیاری از دولت‌ها تلاش می‌کنند با حداکثر امکانات و بهره‌برداری از دستاوردهای تحقیقاتی، شماری از افراد جامعه را که دارای ویژگی‌های کارآفرینی هستند، به فعالیت‌های کارآفرینانه هدایت کنند.

#### جمع‌بندی

آبادان یکی از زیباترین و پرمنابع‌ترین شهرهای ایران است به‌طوری که از قدیم تاکنون اقتصاد ایران به درآمدهای نفت و گاز و پتروشیمی این منطقه وابسته است. در حالی که مردم آبادان بر روی دریایی از طلای سیاه یعنی نفت نشسته‌اند اما فقر و فلاکت و فجایع طبیعی و ساختمانی در این منطقه غوغا می‌کند و نفس‌گیر شده است. اکنون نیز با فروریختن برج متروپل و جان باختن ده‌ها تن و محبوس شدن شاید صدها تن زیر آوار دردها و رنج‌ها گذشته مردم این شهر را تازه کرده و بر غم و اکنون با فروریختن این برج اندوه آن‌ها فزونی یافته است.

مهم‌تر از همه در حالی که حکومت اسلامی عامل اصلی چنین فجایعی در آبادان و سراسر ایران ایرن به جای همدردی با مردم و تلاش برای نجات انسان‌هایی که زیر آوار مانده‌اند پلیس ضدشورش و سایر نیروهای نظامی و انتظامی خود را به این شهر گسیل داشته تا سینه داغ‌دیده مردم این شهر را با گلوله‌های سربی داغ‌تر کنند.

صد و چهارده سال پیش در چنین روزهایی نخستین چاه نفت خاورمیانه در مسجدسلیمان به نفت رسید و دو شهر از این منبع، در آن زمان بیشتر بهره‌مند شدند: مسجدسلیمان و آبادان. مسجدسلیمان به دلیل آن‌که چاه نفت در آنجا بود و آبادان به‌خاطر موقعیت بندری و صادراتی.

اما فروریختن متروپل، غمی دیگر بر غم‌های آبادان و آبادانی‌ها افزود و اثبات کرد هویت نفتی آبادان که یک قرن پیش شکل گرفت و به مرور زمان بارور شد، تنها یک رونما و ظاهر نبود؛ باطنش هم استوار بود اما نه برای مردم، بلکه حاکمیت سرمایه‌داری ایران!

برخورد مقامات و حکومت ایران با فرو ریختن متروپل خشم شماری از شهروندان را برانگیخت.

نزدیک به یک هفته پس از فرو ریختن برج متروپل در آبادان، استانداری خوزستان اعلام کرد 38 نفر همچنان مفقودند.

عملیات جست‌وجو و آواربرداری ادامه دارد اما امیدها برای یافتن افرادی که

زیر آوار زنده باشند، به شدت کاهش یافته است. خامنه‌ای در نخستین سخنرانی‌اش پس از این حادثه اشاره‌ای به این موضوع نکرد و سه روز پس از آن پیام تسلیتی منتشر کرد. قطع یکباره پوشش خبرهای مربوط به حادثه متروپل در صدا و سیما و سپس توضیحات رییس این نهاد نیز خبر ساز شده بود. به گفته برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی، شهرهای مختلف استان خوزستان که در روزهای اخیر صحنه تظاهرات خیابانی بوده، اینترنت با مشکلاتی روبه‌روست. به‌طور کلی به دلیل آن که رسانه‌های مستقل از حکومت اسلامی، اجازه ندارند که خبرهای اعتراض‌ها را از نزدیک پوشش بدهند، روند اطلاع‌رسانی درباره حادثه متروپل و اعتراض‌ها به آن بسیار دشوار است. علاوه بر سرکوب شدید و خشن مخالفان، رسانه‌ها و خبرنگاران مستقل نیز در ایران با محدودیت‌های قابل توجه روبه‌رو هستند. انتقادات پس از آن بالا گرفت که از اولین روز فروریختن متروپل مشخص شد بسیاری از متخصصان درباره عدم رعایت اصول ایمنی در ساخت این برج اخطار داده بودند.

محمدرضا اسکندری رییس سازمان منطقه آزاد اروند با اشاره به فسخ چند قرارداد هلدینگ عبدالباقی اعلام کرد: «این‌ها پروژه‌هایی بوده که زمین آن‌ها به نام منطقه آزاد بوده است و در مدیریت قبل به وی واگذار شده بود و مراحل قانونی آن طی نشده بود.»

جلال رشیدی کوچی نماینده مرودشت هم در پیامی نوشته: «حادثه تلخ فرو ریختن ساختمان در آبادان حاصل طمع طماعانی است که برای چند تومان بیشتر، حاضر شدند با جان مردم بازی کنند. طمعی که به دلیل کمبود قوانین بازدارنده، عدم نظارت دقیق و فساد نهادینه شده در تار و پود سیستم‌های معیوب ایجاد شده است.»

حال پرسش اساسی این است که آیا همه این آمارها و هشدارهایی که نسبت به فروپاشی جامعه داده می‌شود، همچنان سیاه‌نمایی است؟ همه آمارهای آمده در متن این یادداشت، یا از منابع رسمی داخلی و یا مراجع معتبر جهانی است همگی بر فروپاشی جامعه ایران تاکید دارند. آیا باز حاکمان همچنان می‌توانند چشم و گوش خود را بر حقیقت وضعیت موجود جامعه ایران ببندند و صدای این ترک‌ها را نشنوند که هشدار به فروپاشی است؟

با این وجود حکومت اسلامی ایران و سران و مقامات سیاسی و نظامی آن هشدارهای مردم را جدی نمی‌گیرند و یا از درک آن عاجزند. حکومت فعلا صدای فروپاشی جامعه را نمی‌شنود، زیرا که یک نهاد واقعی و مسول ندارد. هر چی هست دزد و تبه‌کار و مافیایی و آدم‌کش است. بنابراین این حکومت به هیچ‌وجه اصلاح‌پذیر نیست و به همین دلیل این حکومت محکوم به فروپاشی و سرنگونی است!

چهارشنبه هجدهم خرداد 1401 - هشتم یونی 2021